صوت 159 ادامه بررسی حدیث رفع

\*- 6/347 : آیا این برائت شامل شبهات حکمیه میشود یا شامل شبهات موضوعیه میشود؟ بهتر هم این است که شامل هر دو شود. هم رفع مالایعلمون تکلیفی که نمیدانیم و هم رفع مالایعلمون موضوعی را که نمدانیم.

تمام کلام در اینجا در تصویر یک جامعی است که این ما موصول اشاره به یک جامعی داشته باشد که اون جامع هم شامل تکلیف شود و هم شامل موضوع. این بحث در واقع یک بحث در مقام ثبوتی است یعنی آیا این جامع قابل تصور است یا نه ؟ و بعد بحث در مقام اثبات است که آیا ما قرینه ای داریم که شامل یکطرف میشود یا نه ؟

\*-1/348 : اول بررسی مقام ثبوت : در مقام ثبوت شیخ اعظم در رسائل این بحث را مطرح کرده است و ایشان آمده یک جامعی را لحاظ کرده، آن جامع چیست ؟ ما می آییم از این اسم موصول یعنی ما ، مفهوم شی را لحاظ میکنیم. مالایعلمون یعنی الشی الذی لایعلم یعنی الشی المشکوک ، میگوید این شی یک عنوان مبهم است و چون مبهم است این قابل تطبیق است هم بر تکلیف و هم بر موضوع؛ و از این جهت هم در شبهه حکمیه بکار میرود و هم در شبهه موضوعیه.

مرحوم آقای آخوند آمدند و اشکال کردند، میفرماید ببینید نمیشود شما شی را بکار ببرید و همزمان هم تکلیف و هم موضوع برداشته شود. میگوید ببنید قطعا اسناد رفع به تکلیف اسناد حقیقی است و اسناد رفع به موضوع اسناد مجازی است. چرا ؟ چون در حقیقت اون چیزی که برداشته میشود تکلیف است که برداشته میشود و یک وقت هست که این تکلیف مستقیما برداشته میشود و یک وقت این تکلیف بواسطه اینکه ما موضوع را نمیدانیم برداشته میشود. اگر پس ما رفع را به تکلیف نسبت دهیم در شبهات حکمیه میشود اسناد حقیقی و در شبهات موضوعیه میشود اسناد مجازی. خب اگر شما یکمرتبه استعمال میکنید و میخواهید جمع کنید در همین یک مرحله اسناد بین اسنادین حقیقی و مجازی میشود استعمال لفظ فی اکثر معنا و آقایون گفته اند نمیشود این لفظ را در یک استعمال - نه در چند استعمال -، همزمان در چند معنا در نظر بگیرید ؟ و آخوند با این کار اشکال کردند.

البته مخفی نماند که در اینجا دو نظر است در باب استعمال لفظ در اکثر از معنا، که یک نظر میگوید استحاله دارد اصلا محال است شما لفظ را بکار ببرید و در دو معنا اراده کنید و یک نظر میگوید استحاله لازم نمی آید و ثبوتا این غیرممکن نیست لکن چنین استعمالی خلاف ظاهر است. مثلا کسی بگوید من شیر دیدم و بگویم من منظورم همزمان هم شیر جنگل است و هم شیر آب و هم شیر خوردنی. این یک امر خلاف ظهوری است و یک امر مستهجنی هست. پس یا محال است یعنی لفظ فانی در معنا است و نمیشود که یک شی همزمان که فانی در یک معنا است فانی در یک چیز دیگری هم باشد. بالاخره اگر در یکی فانی شدی دیگر تمام شدی و چیزی باقی نمیماند که بخواهد فانی در دیگری شود.

نظر دیگری این است که نه محال نیست.

\*- 2/348 : محقق اصفهانی آمده در نهایة الدرایة به اشکال صاحب کفایه جواب داده و سعی کرده است بیان شیخ اعظم انصاری را اثبات کند.

ایشان گفته اند ما دو مقام داریم یک مقام ، مقام اسناد و یک مقام مقام انطباق است. در مقام اسناد، این به یک چیز اسناد داده شده و آن هم شی است. رفع به شی نسبت داده شده، رفع شیٌ پس اسنادیین نیست و اسناد واحد است الّا انّه که در مقام انطباق منحل شده است به این و آن؛

کلام المحقق الاصفهانی ببیان آخر : لایوجد هناک الّا اسناد الواحد و هو اسناد الرفع الی الشی؛ و لکنّ الشی فی مقام انطباق ینحلّ الی الحکمٍ و الی الموضوع فیکون الحُکمُ من مصادیق الشی، الحقیقیة و الموضوع من مصادیقه، المجازیه؛

شهید صدر پاسخ میدهد: روح پاسخ شهید این است که ما اصلا بحث مان در مقام انطباق نیست. وقتی استعمال داری میکنید همان اسناد دارد انجام میشود و ما چکار به مقام انطباق داریم و وقتی ما در همان اسناد بحث داریم میکنیم در واقع نسبت داریم نسبت رفع به ما ، که در یکی نسبت حقیقی است و در یکی نسبت مجازی است و ما گفتیم نسبت ها از قبیل معانی حرفیه اند و قبلا گفتیم در میان معانی حرفیه جامع نمیشود در نظر گرفت. چرا ؟ چون هر معنای حرفی در عالم وجود منحصر به فرد است و لا یتکرر است چون قائم به طرفین است. مثلا نسبت زید فی الدار هیچگاه شبیه نسبت به عمرو فی الدار نیست یا نسبت زید فی الدار هیچاه شبیه نسبت زید فی المسجد نیست و این ویژگی معنای حرفیه است. چون قائم به طرفین است، لذا لایتکرر. این یک معنای خاصی است که در دل طرفین وجود دارد و نمیشود جامعی بین آنها لحاظ کرد و اگر گفتیم یکی معنای حقیقی و دیگری معنای مجازی این قابل جمع نیست.

شهید در جواب صحیح میفرماید : بله ما موصول اشاره به شی دارد و شی هم جامع میان تکلیف و موضوع است. چجوری ؟ ما میگوییم چه درباره تکلیف و چه درباره موضوع، در هر دو اسناد مجازی است و چون هر دو مجازی است یک چیز است و نسبت الحقیقیه و نسبت المجازیه نیست که بگویید از دو چیز است بلکه هر دو یک چیز هستند و همان نسبت المجازیه. رفع ، رفع حقیقی نیست بلکه رفع ظاهری است و گفتیم رفع ظاهری اگر بگوییم به بیان مجازی و عنایی می افتیم چرا ؟ چون باید بگوییم مرفوع میشود وجوب احتیاط، رفع مالایعلمون یعنی رفع وجوب الاحتیاط بنسبت الی مالایعلمون. یک چیزی باید در تقدیر بگیریم و گفتیم بله همین در تقدیر گرفتن است و چاره­ای نداریم.

\*- 4/348 : اصل اشکال ناشی از این نکته بود که اسناد رفع به تکلیف را حقیقی و اسناد رفع به موضوع را در نظر گرفتیم. به اون بیانی که گفتند تکلیف به دست خود خداست و میتواند رفع کند البته خدای بمعنای شارع، ولی موضوع که به دست خدای بمعنای شارع نیست و نمیتواند رفع­ش کند، اگر بگوییم رفع کرده این اسناد مجازی است. پس اشکال این بود که اسناد یکی حقیقی و اسناد دیگری مجازی است ولی شهید صدر میفرماید هر دو اسناد مجازی است.

\*- 1/349 : امّا تصویر ثانی که از میرزای نائینی است. در این تصویر نکته اش فرق گذاشتن میان جعل و مجعول است به یک بیان خاصی که مخصوص خود میرزای نائینی است. آقای صدر هم میان جعل و مجعول هم فرق میگذاشت و میفرمود: جعل یعنی اصل تشریع حکم و مجعول یعنی فعلیت یافتن بر این مکلف. ولی شهید صدر میگفت جعل و مجعول حقیقتا دو چیز نیست بلکه مجعول همان جعل فعلیت یافته است. میرزای نائینی دیدگاه دیگری دارد. میرزای نائینی هم میان جعل و مجعول فرق میگذارد لکن میگوید حقیقتا بین شان فرق وجود دارد. میگوید جعل یک چیز است و مجعول حقیقتا چیز دیگری است.

میرزای نائینی میگوید وقتی میگوییم جعل یعنی حکم کلی و حکم جزئی را شامل نمی­شود. یعنی چی حکم کلی میگوید یعنی بنحو قضیه حقیقیه، میگویند قضیه حقیقیه یعنی قضیه ای که موضوع آن مقدر الوجود است مثلا اگر کسی بود که مستطیع شد حج بر او واجب است. پس جعل شد حکم کلی ای که آمده برای موضوع کلی یا موضوع مقدرالوجود.

مجعول عبارتست از حکم جزئی یعنی وجوب الحج بر زید یعنی بنحو قضیه خارجیه یعنی موضوع محقق الوجود.

ایشان میخواهد بگوید دو سنخ اند ، دو چیز هستند و یک چیز نیستند. ایشان میگوید ما جامع را نمیگوییم شی، که هم شامل تکلیف بشود و هم شامل موضوع. پس شامل چی میگیریم ؟ میگه جامع را خود تکلیف در نظر میگیریم ولکن تکلیف شامل هر دو میشود ؟ میگوییم تکلیف چطور میتواند شامل تکلیف شود و شامل موضوع. میگوید تکلیف دو وع است یک وقت تکلیف بنحو جعل است و یک وقت هست بنحو مجعول. اگر تکلیف بنحو جعل بود کلی میشود و میشود تکلیفی که همه میگویند و اگر بنحو مجعول بود میرود سراغ موضوع و مستقیما موضوع را هدف میگیرد. خب مثلا من میخواهم بدانم آیا خوردن این مایع قرمز رنگ بر من حرام است یا نه ؟ آیا مجعول اینجا است یا نه ؟ مجعول یعنی فعلیت یافتن حرمت خمر بر من خورنده آن. پس بازم اینجا تکلیف است منتهی تکلیف بنحو قضیه خارجیه؛

این حل خوبی است هر چند مبنای قبول شاید نداشته باشد ولی حتی اگر مبنای ایشون را در فرق میان جعل و مجعول بپذیریم ما مشکل را به همان معنا الشی شیخ انصاری مسأله را حل کردیم و نیازی به این قضیه نداریم.

\*- 2/349 : شهید جواب آنرا در حلقه ثانیه آورده اند. اجمال این بود که بعضی آمدند گفتند : اگر در حقیقت این نه تای در یک کلام از رسول خداوند آمده باشد پس وحدت سیاق میشود استفاده کرد. اگر وحدت سیاق این بود در حدیث رفع عن الأمتی تسعه : الخطاء و ... خب برخی از این موارد حدیث رفع قطعا موضوع است و لذا اگر وحدت سیاق بخواهیم استفاده کنیم می بینیم که یک قسمت موضوع را رفع کرده و یک قسمت حکم را. پس نمیشود بگوییم این فقط موضوع را رفع کرده است.

برخی هم از اون طرف افتاده اند و میگویند فقط حکم مد نظرشان است. میگویند ببینید این ما اکرهوا الیه یا مااضطرّوا الیه اینها مبهم اند و غیر معلوم­اند و ما ناچاریم اینها را به حکم و تکلیف تفسیر کنیم نه حکم خارجی. جواب این است که این چه ربطی دارد؟ میگویند موضوع خارجا و همیشه معلوم است ، آنچه ما در مورد آن شک داریم حکم است که احیانا نمیدانیم و خبر نداریم یا اینکه حتی در مورد موضوع که شک داریم در مورد حکمش شک داریم.

پاسخ این حرف این است که کی گفته موضوع همیشه معلوم است. از قضاء من وقتی در حکمی شک دارم در واقع در مورد موضوع آن شک دارم، می بینیم که یک مایع است ولی نمدانم خمر است یا آب آلبالو و اتفاقا در موضوع شک دارم پس ادعای اینکه موضوع همیشه معلوم است را ما قبول نداریم.

شهید میگوید ما چطور حلش کردیم ؟ ما یعنی الشی و این الشی بر هر دو سازگاری دارد و مسأله را حل کردیم.

\*- 3/349 : گاهی میتوانیم بجای برائت، استصحاب جاری کنیم. گاهی این استصحاب میتواند بمعنای استصحاب عدم جعل باشد و گاهی میتواند استصحاب عدم مجعول باشد. استصحاب عدم جعل از کجا ؟ از قبل از شریعت اسلامیه مثل این وجوب دعاء عندالرویت الهلال که میگوییم این قبل از اسلام واجب بوده است ؟ میگوییم خیر و استصحاب جاری میکنیم که چون قبل از تشریع نبوده ست. استصحاب عدم مجعول از چه زمانی ؟ از قبل از بلوغ؛

راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده­اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره­هایی می­بینید که متشکل از شماره نکته­ی تقریر شده و شماره­ صفحه­ی مد نظر است ( مثلا 5/150 تقریر 5 در صفحه 150 ) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام " متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی " میتوانید ببنید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه ، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریعتر آورده شده است. خوشحال میشویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : 09363211730 ، پیامرسان­های ایتا و بله؛